



Presenting a model of knowledge management in the Islamic value system and comparatively comparing it with other common models

Majid Haji Esmaili¹

Hamid Haji Mollamirzaei²

Abstract

This study seeks to provide a model of knowledge management in the Islamic value system and with careful research on knowledge management in Islam to identify the issue and using one of the methods of qualitative research called grounded theory or qualitative data research, interview of 20 experts (Who are experts in the field of knowledge management as well as religious principles and their field of study is related to the field of Islamic management, knowledge management, Quranic sciences, hadith and seminary) which was done in open coding, 195 related statements were extracted and in The axial coding stage was divided into 39 categories and 8 general dimensions were extracted in the selected coding and the final pattern was designed. This model includes eight general dimensions: the goals of transcendent knowledge, rational evaluation, knowledge discovery, purposeful acquisition, development of beneficial knowledge, maximum dissemination of knowledge, knowledge recording and application with jihadist and task-oriented action. Finally, a comparative comparison was made between the proposed model and common patterns.

Keywords: Wisdom, Knowledge Management, Basics Of Islamic Knowledge Management, Islamic Knowledge Management Model.

¹ Master of Knowledge Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran

majid.hajiesmaeili@gmail.com

² Corresponding author: Assistant Professor, Department of Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran

hmirzaee@ut.ac.ir



ارائه الگوی مدیریت دانش در نظام ارزشی اسلام و مقایسه تطبیقی آن با سایر الگوهای رایج

مجید حاجی اسماعیلی*، حمید حاجی ملامیرزایی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

این پژوهش به دنبال ارائه الگوی مدیریت دانش در نظام ارزشی اسلام است و با تحقیق پیرامون مفهوم مدیریت دانش در اسلام به شناسایی ابعاد موضوع پرداخته است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی گراند تئوری یا تحقیق کیفی داده بنیاد، مصاحبه با ۲۰ خبره (که از خبرگان در مبحث مدیریت دانش و همچنین مبانی دینی می‌باشند و رشته تحصیلی آنها مرتبط با حوزه مدیریت اسلامی، مدیریت دانش، علوم قرآن و حدیث و حوزوی است) انجام شده که در کدگذاری باز، ۱۹۵ گزاره مرتبط استخراج گردید و در مرحله کدگذاری محوری با دسته‌بندی به ۳۹ مقوله تقسیم شد و در کدگذاری انتخابی ۸ بعد کلی استخراج شده و الگوی نهایی پژوهش طراحی گردید. این الگو شامل هشت بعد کلی شامل: اهداف دانشی متعالی، ارزیابی عقلانی، کشف دانش، اکتساب هدفمند، توسعه دانش نافع، نشر حداکثری دانش، ثبت دانش و به‌کارگیری با عمل جهادی و تکلیف‌گرا است. در پایان نیز مقایسه تطبیقی بین الگوی پیشنهادی و الگوهای رایج مدیریت دانش در دنیا انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: حکمت، مدیریت دانش، مبانی مدیریت دانش اسلامی، الگوی مدیریت دانش اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

مدیریت دانش یکی از موضوعات نسبتاً نوپدید به شمار می‌رود که از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد در مجامع علمی مطرح گردید. (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲)؛ و دانشمندان مختلف هر کدام به حد بضاعت خود بر دامنه و وسعت آن افزودند. البته بیشتر این تلاش‌ها از سوی دانشمندان غیرمسلمان صورت گرفته است. (حمزه پور و جوادی، ۱۳۹۴). از آنجاییکه علوم انسانی رایج که از غرب سرچشمه گرفته‌اند بر مبنای تمدن غربی و بر اساس گزاره‌های پایه آن تمدن بنا شده‌اند عمدتاً پاسخگوی حل مسائل ما نیستند. (نعمتی، ۱۳۹۳). تدوین این علوم بر اساس مبانی دینی ما امری ضروری است و این مهم بارها در فرمایشات مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبر امت اسلامی بیان گردیده است. حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) هدف نهایی انقلاب اسلامی را ایجاد «تمدن نوین اسلامی» ذکر فرموده^۱ و رسیدن به چنین هدفی را منوط به برخورداری از دانش متناسب در تمام عرصه‌های جامعه برشمردند؛ به عبارتی برای رسیدن به تمدن اسلامی، نیاز به دانشی است که بر اساس مبانی اسلامی و با هدف ایجاد تمدن اسلامی به‌وجود آمده باشد. از آن جایی که علوم انسانی موجود برای چنین هدفی ایجاد نشده‌اند، تحول در آن امری گریز ناپذیر است^۲؛ و حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحول بنیادین در علوم انسانی در کشور به‌وجود بیاید. حرف این است که مبانی علوم انسانی غربی، مبانی غیرالهی است، مبانی مادی است، مبانی غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست. علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که بر اساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانش‌های علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد.^۳ هیچ

^۱ دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب ۲/۶/۱۳۹۵.

^۲ علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبانی غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچگونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخشهای مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸)

^۳ (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها، ۱۳۹۳/۴/۱۱)

مکتبی به اندازه اسلام برای دانش، معرفت و آگاهی ارزش قائل نیست و هیچ دینی مانند دین مبین اسلام انسان‌ها را از خطر جهل بر حذر نداشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: "دانش، اساس همه ارزش‌ها و جهل (نادانی و ناآگاهی)، ریشه همه انحرافات و مفاسد فردی و اجتماعی است". از نظر اسلام انسان‌ها در هر حرکت و کاری نیاز به دانش و آگاهی دارند و تمام اعتقادات، اخلاق و اعمال انسان‌ها باید مبنای علمی داشته باشد.

استفاده از نگاه دین به‌عنوان نگاه حق‌گرا و بری از نقص و عیب به مسئله مهمی چون دانش و موضوعات مرتبط به آن امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر حقیقت دانش، کسب و درک آن، نگهداری و به‌کارگیری آن و موضوعات مرتبط دیگر با آن از منظر اسلام – که برگرفته از کلام وحی است – تبیین گشته و الگویی بر این مبنا ارائه گردد، راهنمای مناسبی برای صاحب‌نظران حوزه مدیریت دانش فراهم می‌شود.

بدون شک مدیریت دانشی که مبنای آن بر اساس معرفت‌شناسی غربی بوده و مسائل آن با مسائل بینش و تمدن دینی ما سنخیت نداشته باشد، مشکلی از مشکلات مدیریتی جامعه ما را حل نخواهد کرد ضرورت انجام این تحقیق نیز به انحراف جبران‌ناپذیر از مسیر حق و حقانیت در حوزه‌های معرفت‌شناسی و مبانی علوم باز می‌گردد، به‌نحوی که اگر مسیر بهره‌برداری از علم و دانش به مسیر حق آن که پروردگار تعیین نموده و در قالب دین تبیین کرده باز نگردد، این سلاح قدرتمند همچنان در اختیار افرادی خواهد بود که بشریت را در قید اسارت نفس نگه داشته و بهره‌مندی از دانش را صرفاً مادی و دنیایی در نظر می‌گیرند.

ما در این تحقیق برآنیم که الگوی مدیریت دانش را از دیدگاه دین اسلام ارائه داده و تبیین نماییم. به این منظور ابتدا مفاهیم کلاسیک مدیریت دانش را همان‌طور که در حال حاضر در محیط‌های دانشگاهی بر اساس مبانی غربی تدریس می‌شود مرور کرده، سپس به کنکاش این مفاهیم در منابع اسلامی می‌پردازیم؛ و در این راستا از نظرات نظریه‌پردازان مسلمان استفاده می‌کنیم.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

در ابتدا به تعاریف مدیریت دانش در ادبیات رایج می‌پردازیم و بعد از شرح فرایند مدیریت دانش، برخی از مدل‌های مشهور مدیریت دانش را توضیح می‌دهیم؛ و سپس مدیریت دانش در نظام ارزشی اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تعاریف مدیریت دانش

نوناکا و تاکوچی^۱ اعتقاد دارند که مدیریت دانش می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ذخیره، بازیابی، گسترش و مدیریت اطلاعات مربوط به نیازهای کاربر مورد استفاده قرار گیرد. (قلیجلی، ۱۳۸۸: ۴۱)

داونپورت و پرو ساک^۲ مدیریت دانش را مفهومی برای توصیف فرآیندهایی دانسته‌اند که از طریق آن‌ها؛ سازمان به توسعه، سازمان‌دهی و به اشتراک‌گذاری دانش با هدف دستیابی به مزیت رقابتی می‌پردازد (داونپورت و پرو ساک، ترجمه رحمان سرشت، ۱۳۷۹).

مدیریت دانش از دیدگاه واتسن^۳ عبارت است از: اکتساب، ذخیره‌سازی، بازیابی، کاربرد، تولید و بازنگری دارایی‌های دانشی سازمان به سبکی کنترل شده. (قلیجلی، ۱۳۸۸: ۴۲).

یکی از راه‌های اساسی تبدیل شدن به سازمان یادگیرنده، به‌کارگیری مدیریت دانش در سازمان است. مدیریت دانش با فرآیند آسان‌سازی ایجاد و انتقال دانش در سایه فناوری اطلاعات، یادگیری را سرعت می‌بخشد و به سازمان کمک می‌کند خود را با تغییرات شتاب‌زده امروزی منطبق سازد و همگام با تغییرات، با موفقیت به حیات خود ادامه دهد (ابطحی و صلواتی، ۱۳۸۵، ۳۶).

سازمان‌ها باید بتوانند دانش مورد نیاز برای نوآوری در محصولات خود و بهبود فرآیندهایشان را کسب کنند، بین کارکنان‌شان نشر دهند و در تمامی فعالیتهای روزانه خود به‌کار گیرند، تنها از

¹ Nonaka & Takeuchi

² Davenport & Prusak

³ Watson

این طریق است که می‌توانند به الزامات محیط رقابتی و نیازهای به شدت متغیر مشتریان پاسخ گویند (الوانی و همکاران، ۱۳۸۶).

در واقع، مدیریت دانش تلاشی برای کشف دارایی نهفته در ذهن افراد و تبدیل این گنج پنهان به دارایی سازمانی میدانند، به‌طوری‌که مجموعه وسیعی از افرادی که در تصمیم‌گیری‌های سازمان دخیل هستند به این ثروت دسترسی داشته و بتوانند از آن استفاده کنند (انواری رستمی و شهائی، ۱۳۸۸، ۴).

فرایند مدیریت دانش در ادبیات رایج

در ادبیات مدیریت، چرخه حیات یا فرایند مدیریت دانش، مختلف و متعدد بیان شده است که برای نمونه، به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

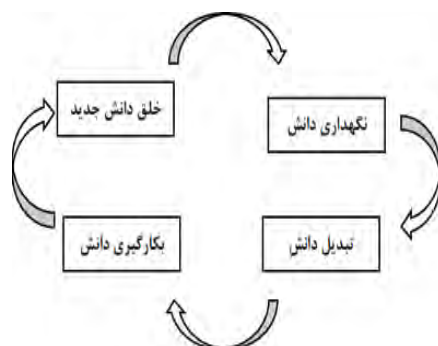
فرایند مدیریت دانش از دیدگاه ویگ: فرایند یا چرخه مدیریت دانش شامل چهار گام اصلی خلق، حفظ، تسهیم و کاربرد است (قلیجلی، ۱۳۸۸: ۶۲).

فرایند مدیریت دانش از دیدگاه بیو کویتز و ویلیامز: "فرایند مدیریت دانش، به‌طورکلی شامل ایجاد، حفظ و به‌کارگیری دانشی است که برای سازمان ارزش افزوده ایجاد می‌کند (قلیجلی، ۱۳۸۸: ۷۲).

فرایند مدیریت دانش از دیدگاه بیرکین شاو و شیهان: "فرایند مدیریت دانش شامل ایجاد و خلق، آماده‌سازی، انتشار و تجاری‌سازی است (رضاییان، ۱۳۸۲: ۶).

الگوی عمومی مدیریت دانش

صاحب‌نظران الگوهای متنوعی را برای مدیریت دانش مطرح ساخته‌اند که هدف از ارائه این مدل‌ها این است که سازمان‌ها در به‌کارگیری مدیریت دانش سنجیده عمل کنند و چهارچوبی مناسب را برای به‌کارگیری اثربخش آن در خلق دانش و توزیع آن در اختیار داشته باشند. یکی از این الگوها، الگوی عمومی مدیریت دانش است که در شکل (۱) نمایش داده شده است. (رضاییان و همکاران، ۱۳۸۹).



شکل ۱. الگوی عمومی مدیریت دانش (رضاییان و همکاران، ۱۳۸۹)

الگوی براد هویت^۱

برای تولید دانش شخصی هویت چرخه‌ای را ارائه می‌دهد. او می‌گوید که دانش شخصی از طریق ممارست تجربی با اطلاعات تولید می‌شود. در واقع اطلاعات به‌عنوان ورودی اشکال مختلفی می‌تواند داشته باشد به نظر هویت پردازش اطلاعات، تجربیات، دانش عملی، مهارت افراد و تا حدودی شانس منجر به تولید دانش جدیدی می‌شود که در شکل (۲) نمایش داده شده است. (رضاییان و همکاران، ۱۳۸۹)



شکل ۲. الگوی چرخه دانش شخصی (رضاییان و همکاران، ۱۳۸۹)

الگوی خلق دانش نوناکا و تاکوچی

این الگو شامل: خلق دانش، بیرونی سازی، ترکیب و درونی سازی است که اولین بار در سال ۱۹۹۱ ارائه شد؛ که در حال حاضر به عنوان یک رویکرد مفید و دقیق در سازمان‌ها مطرح است که در شکل (۳) نمایش داده شده است. (دالکر، ۱۳۹۲).



شکل ۳. الگوی خلق دانش نوناکا و تاکوچی (Nonaka & Takeuchi, 1995)

بر اساس این الگو ایجاد دانش یک فرایند متوالی نمی‌باشد، بلکه به تعامل پویا و دائمی میان دانشی ضمنی و صریح بستگی دارد. حلزون دانش نشان‌دهنده این واقعیت است که سازمان‌ها چگونه نسبت به تدوین، تهیه، سازمان‌دهی و روشمند کردن دانش ضمنی فردی اقدام می‌نمایند.

دانش و مدیریت دانش در اسلام

به‌طور کلی در بررسی مکاتب، هیچ مکتبی مانند اسلام برای دانش و معرفت و آگاهی ارزش قائل نیست و هیچ دینی مانند اسلام مردم را از خطر جهل تحذیر نکرده است. از نظر اسلام دانش اساس همه ارزش‌ها و جهل ریشه همه معایب و مفسد فردی و اجتماعی است. همچنین از نظر

¹ Brad Hoyt

اسلام انسان در هر حرکتی نیاز به شناخت و آگاهی دارد: عقاید، اخلاق و اعمال انسان باید مبنای علمی داشته باشد.

مسئله اصلی در مدیریت دانش اسلامی، مسئله بنیادی تمدن دینی، یعنی کشف حقیقت و حرکت به سوی او است. برخلاف تمدن غرب که مسئله اصلی او سلطه بر عالم است و همه چیز در جهت بهره‌برداری مادی سمت و سو و معنا پیدا می‌کند، در تمدن دینی مسئله اصلی این است که حق چیست؟ حق مطلق چه چیزی را اراده کرده و اراده ما چگونه می‌تواند در مسیر اراده او قرار گیرد و چگونه می‌توان اراده‌های جمعی را در جهت اراده او بسیج کرد؟ کنش‌های ارادی فردی و اجتماعی انسان‌ها آگاهانه است و به هر میزان آگاهی‌های فردی و اجتماعی یقینی‌تر و حقیقی‌تر باشند، می‌توان امید داشت که این کنش‌ها به اراده حق نزدیک‌تر شوند و اداره امور حق و عمل بر محور حق و عدالت انجام گیرد. سازه‌های مفهومی دانش و تدبیر؛ آگاهی و اراده؛ شناخت حق و عمل بر اساس آن و در یک کلام، دانش و مدیریت در نظام معنایی تمدن دینی و فرهنگ توحیدی، در هم تنیده، به هم پیوسته و دوگان یکدیگر محسوب می‌شوند. برخی از مقدماتی که بر اساس آنها می‌توان مسئله مدیریت دانش را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی در تمدن دینی مطرح کرد به شرح زیر هستند:

• مدینه اسلام، همان مدینه فاضله علم و دانش است و کسب دانش‌های موردنیاز برای تعیین تمدن دینی لازم است.

• در حال حاضر دانش‌های فراوانی وجود دارند و روز به روز دانش‌های جدیدی کشف و انباشته می‌شوند که جمع بین آنها برای فرد، گروه و سازمان خاص ممکن نیست و نیاز به همکاری جمعی و تعاون دارد.

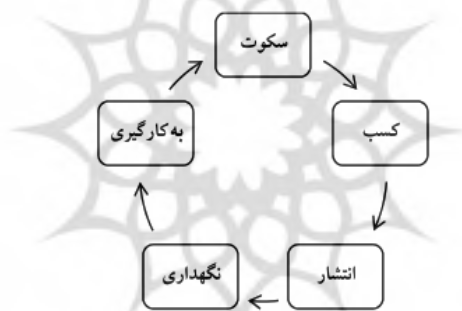
• تدبیرهای لازم در زمینه دانش‌های موردنیاز حال و آینده تمدن دینی بر عهده تولید جامعه دینی است و زمامداران حکومت‌های اسلامی نمی‌توانند و نباید این وظیفه را نادیده بگیرند.

• این تدبیرها بسیار گسترده‌اند و باید در نظامی هماهنگ در سطح خرد (فرد، گروه، سازمان و بین سازمان‌ها و کلان ملی و منطقه‌ای و جهانی به آنها توجه کرد).

• بدون برنامه‌ریزی و مدیریت در افق جهانی و اتخاذ تصمیم‌های حکیمانه، عملاً نمی‌توان به این مهم دست یافت. بر اساس مقدمات یادشده، عقل عملی مستقر در تمدن دینی و حاکم بر مدیریت دینی حکم می‌کند دانش را به‌عنوان یکی از موضوعات مهم و حیاتی مدیریت در نظر داشته و به مسئله مدیریت دانش «به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی در احیای تمدن دینی توجه کنیم (موسی‌خانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۳).

فرایند مدیریت دانش در اسلام

به‌طور کلی می‌توان گفت مدیریت دانش از منظر اسلام تلاش برای تحقق دانایی‌های کارکنان، مدیران و ذی‌نفعان درونی و بیرونی سازمان از طریق فرایند سکوت، کسب، نگهداری، به‌کارگیری و انتشار دانش برگرفته از آموزه‌های اسلام، برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است. در منابع اسلامی، برای مدیریت دانش فرایندی بیان شده است که می‌توان آن را از آیات و روایات به‌دست آورد که در شکل (۴) نمایش داده شده است (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲: ۶۵).

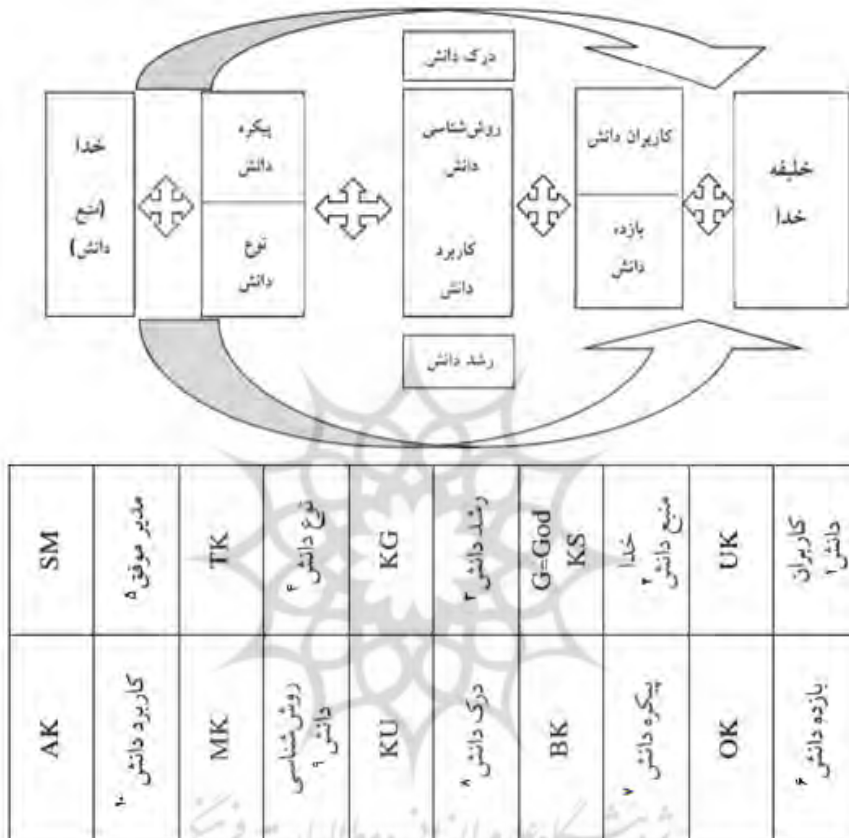


شکل ۴. فرایند مدیریت دانش اسلامی با الهام از منابع اسلامی (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲: ۶۶)

الگوی کارکردی مدیریت دانش اسلامی

در این الگو، دانش قرین با انسانیت در نظر گرفته شده است؛ یعنی انسان وظیفه دارد دانش خود را مطابق با نیازها، ضروریات و توانایی‌هایش توسعه دهد. این رویکرد، روشی مستقیم در جست و جوی منبع دانش (خدا)، برگرفته از اجتهاد متخصصان، خبرگان و اجماع سازنده در روش‌های تفسیر قرآن است. بازده و خروجی این فرایند باید به اندازه کافی ارزشمند و متقاعدکننده باشد تا

جذب‌کننده اذهان منطقی و متفکر به‌گونه‌ای باشد که ارزش‌های خود را بشناسد و آنها را قدر نهند و عملاً برای رسیدن به افزایش اثربخشی محصولات و دستاوردهای دانش به‌کار بندند تا در نهایت جانشین (خلیفه) خدا شوند (محمد بکیر، ۲۰۱۳: ۳۶۵) (شکل ۵).



شکل ۵. درک اسلامی از مدیریت دانش. (محمد بکیر، ۲۰۱۳: ۳۶۵)

¹ Users of Knowledge

² Knowledge Source

³ Knowledge Growth

⁴ Type of Knowledge

پیشینه مدیریت دانش اسلامی

بررسی پیشینه ارائه شده در این تحقیق نشان می‌دهد که محققان هر یک کوشیده‌اند برای مفاهیم مطرح در مدیریت دانش اسلامی ویژگی‌هایی را توصیف کنند. موفق و همکاران به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده‌اند که آیا می‌توان مدیریت دانش را به صورت مدیریت دانش ایرانی اسلامی مطرح نمود که با بررسی منابع اسلامی پاسخ مثبت را تبیین نموده‌اند. قادرزاده در پژوهش تبیین فرایند مدیریت دانش در آموزه‌های اسلامی ضمن پرداختن به اهمیت جایگاه ویژه مدیریت دانش در اسلام و راه‌های تبیین آن در سازمان‌ها، فرایند مدیریت دانش اسلامی را تشریح نموده است. باقرزاده و همکاران با کنکاش در منابع اسلامی دریافته‌اند که کسب، یادگیری، به‌کارگیری و ذخیره‌سازی دانش از ارکان مدیریت دانش اسلامی می‌باشد. چگونگی توجه اسلام به دانشوران و تبیین وظایف فراگیران دانش بر اساس آموزه‌های دینی از دستاوردهای این تحقیق است.

اما با وجود این تحقیقات خلاء نبود الگوی مدیریت دانش اسلامی بسیار نمایان است. وقتی مبانی فکری اسلامی در بحث دانش با مبانی فکری رایج که عمدتاً برگرفته از دیدگاه مادی گرای غربی می‌باشد تفاوت ماهوی دارد نبود الگویی که نشان‌دهنده این تفاوت‌ها باشد بسیار پررنگ است. ما در این تحقیق برآنیم که با تبیین مبانی مدیریت دانش اسلامی الگویی جهت تحقق این مهم با تکیه بر مفاهیم ارزشمند اسلامی ارائه دهیم که همه مباحث دخیل در فرایند دانش اسلامی را به صورت یکجا در بر گرفته و ضمن جامعیت و کامل بودن اهداف غائی اسلام از این چرخه را نشان دهد.

ردیف	محقق	عنوان	روش تحقیق	خلاصه یافته‌ها
۱	موفق و همکاران، ۱۳۹۸	مدیریت دانش ایرانی اسلامی بر اساس آموزه‌های دین اسلام و	روش کیفی	این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا می‌توان مدیریت دانش را به صورت مدیریت دانش ایرانی اسلامی

⁵ Successful Manager

⁶ Output of Knowledge

⁷ Body Knowledge

⁸ Understanding of Knowledge

⁹ Methodology of Knowledge

¹⁰ Application of Knowledge

		فرهنگ ایران		مطرح نمود که با بررسی منابع اسلامی پاسخ مثبت این سؤال تبیین شده است.
۲	قادرزاده، ۱۳۹۸	تبیین فرایند مدیریت دانش در آموزه‌های اسلامی	روش کیفی	در این پژوهش ضمن پرداختن به اهمیت جایگاه ویژه مدیریت دانش در اسلام و راه‌های تبیین آن در سازمان‌ها، فرایند مدیریت دانش اسلامی شرح شده است.
۳	ایدلخانی و همکاران، ۱۳۹۸	مدل ترکیبی مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی	روش آمیخته	این پژوهش به تأثیر فرایندهای مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی مدنظر مقام معظم رهبری پرداخته است البته قلمرو تحقیق در بانک انصار بوده و مدل ترکیبی مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی در این بانک بررسی گردیده است.
۴	باقرزاده و همکاران، ۱۳۹۸	نظریه مدیریت دانش اسلامی	کیفی آمیخته	کسب، یادگیری، به‌کارگیری و ذخیره‌سازی دانش از ارکان مدیریت دانش اسلامی می‌باشد. توجه اسلام به دانشوران و تبیین وظایف فراگیران دانش بر اساس آموزه‌های دینی از دستاوردهای این تحقیق است.
۵	مهدی حمزه پور و مجتبی جواد، ۱۳۹۴	تبیین و مقایسه مبنای نظری مدیریت دانش از دیدگاه اسلام و غرب	روش کیفی	این تحقیق نگاه تطبیقی به مبانی فلسفی مدیریت دانش در دو تمدن اسلامی و غرب دارد. هدف مدیریت دانش غربی بر اساس نفع و سود مادی تعریف می‌شود و این در حالی است که مدیریت دانش اسلامی به دنبال کشف حقیقت و رسیدن به آن است.
۶	نورالدین یوسف، ۲۰۲۰	چرخه مدیریت دانش در بانک اسلامی (اندونزی)	روش کیفی	بررسی چرخه مدیریت دانش در بانک‌های اسلامی اندونزی که محقق دریافته است چرخه مدیریت دانش در بانک‌های اسلامی بر اساس هنجارهای اسلامی شکل گرفته و با مدیریت دانش رایج متفاوت است.
۷	Rofiaty, 2019	مدل کارآفرینی و مدیریت دانش در مدرسه اسلامی	روش کیفی	این تحقیق به دنبال ارائه مدل کارآفرینی و مدیریت دانش بر اساس مؤلفه‌های یک مدرسه اسلامی بوده است.
۸	محمود البکیر، ۲۰۱۱	Islamic Conceptualisation of Knowledge Management نظریه بنیادی مدیریت دانش اسلامی	روش کیفی	این تحقیق تلاشی است برای تبیین مفهوم مدیریت دانش به‌عنوان گامی به‌سوی مفهوم شناسی مدیریت دانش اسلامی به‌منظور تعریف خصوصیات جزئی و اجرایی آن‌ها. در واقع این تحقیق بر آن است تا مدلی کاربردی را ارائه نماید تا بتوان در مرحله اجرا به آن اتکا نمود و آنرا پیاده‌سازی کرد.
۹	Mohammad	تحلیل چگونگی مدیریت	روش	استفاده از فرایندها و روش‌های مدیریت

دانش سنتی برای دستیابی به اهداف مدیریت دانش اسلامی با سه مؤلفه مدیریت دانش: بدنه دانش، روش‌شناسی دانش، کاربر دانش	کیفی	دانش بر مبنای شناخت‌شناسی قرآن کریم	Adnan ۲۰۱۳, Vasem	
در عصر پیشرفته امروز دانش به‌عنوان مفهوم ذهنی، کاربردی و در حال توسعه شناخته می‌شود در مقابل در اسلام دانش با جهان‌بینی خاصی بر گرفته از قرآن و تعالیم پیامبر خدا تبیین می‌شود. در این جهان‌بینی دانش مفهومی است معنوی، فکری، اخلاقی، روان‌شناختی و اجتماعی. در این مقاله این چهارچوب برای ایجاد مدیریت دانش در جهان‌بینی اسلامی ارائه شده است.	روش کیفی	Islamic Worldview on Knowledge Management جهان‌بینی اسلامی مدیریت دانش	Shafeeq ۲۰۱۴, Hussain	۱۰

روش‌شناسی پژوهش:

تحقیق کیفی شیوه‌ای ذهنی است که برای توصیف تجربیات زندگی و معنی بخشیدن به آنها به کار می‌رود. در واقع تحقیق کیفی در علوم اجتماعی و رفتاری، فکر جدیدی نیست. اصطلاحات و روش‌های استدلال این پژوهش‌ها از روش‌های کمی سنتی، متفاوت است و این امر در مبنای فلسفی متفاوت آنها ریشه دارد. استفاده از روش‌های کیفی در مطالعه پدیده‌های انسانی در علوم اجتماعی ریشه دارد؛ زیرا برخی از ابعاد ارزش‌ها، فرهنگ و روابط انسانی را نمی‌توان با استفاده از روش‌های کمی کاملاً توضیح داد (بورن و گراو، ۱۹۹۹: ۱۷).

در این پژوهش برای انجام تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش گراند تئوری استفاده شده است. گراند تئوری؛ نظریه مبنایی (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۲۲) یک روش تحقیق کیفی است که برای بررسی فرآیندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی به کار می‌رود و عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده و تحلیل استقرایی مجموعه داده گردآوری شده به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که

فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند. (Streubert & Carpenter, 2003, p38).

گردآوری داده‌ها در گراند تئوری مقدمه انجام پژوهش است که ممکن است به روش‌های متعددی از جمله مصاحبه^۱، بررسی اسناد^۲ و مشاهده^۳ حاصل شود. کار گردآوری داده تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهشگر اطمینان حاصل کند که ادامه گردآوری چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید؛ بنابراین پژوهشگر ناگزیر است گردآوری داده را تا رسیدن به نقطه اشباع ادامه دهد. یکی از نشانه‌های رسیدن به نقطه اشباع^۴ روبرو شدن با داده‌های تکراری^۵ است. داده به هر شکل که گردآوری شود ترجیحاً باید کیفی و مفصل باشد. در واقع نظریه بر اساس داده بنا می‌شود. سپس مبتنی بر داده‌های گردآوری شده کدگذاری صورت می‌گیرد. کدگذاری یک روش اساسی برای مشخص نمودن مقولات موجود در داده‌هاست. کد نماد یا مخففی است که برای مقوله‌بندی کلمات یا عبارات داده‌ها به کار می‌رود. داده‌های گردآوری شده در پژوهشی که مبتنی بر گراند تئوری است در واقع اجزا سازنده تئوری در دست تدوین را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، در نخستین قدم لازم است که پژوهشگر با شناسایی مفاهیم مستتر در دل این مجموعه گردآوری شده آن را به کوچک‌ترین اجزاء مفهومی تقسیم کند. این فرآیند را که نخستین گام در تحلیل داده در گراند تئوری محسوب می‌شود اصطلاحاً کدگذاری می‌نامند. (پرویزی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

در این پژوهش مبتنی بر رویکرد نظریه‌پردازی داده بنیاد، ابتدا خبرگانی از اندیشمندان و نخبگان حوزوی و دانشگاهی در رشته‌های مدیریت دانش، مدیریت، علوم قرآن و حدیث و مسئولان و مدیران دانشی مسلمان که متولیان راهبردی مدیریت دانش در کشور بوده اند انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. جدول (۱) بیانگر پراکندگی حوزه تخصصی و مطالعاتی خبرگان و جدول (۲) پراکندگی سابقه خبرگان مورد مراجعه است.

¹ Interview

² Content Analysis

³ Observation

⁴ Saturation Point

⁵ Repetitive or Duplicated Data

جدول ۱. پراکندگی حوزه تخصصی و مطالعاتی خبرگان مورد مراجعه

ردیف	رشته تحصیلی	تعداد
۱	حوزوی (فقه و اصول)	۴
۲	مدیریت دانش (دانشگاهی)	۶
۳	حوزوی (علوم قرآن حدیث)	۲
۴	مدیریت راهبردی دانش (دانشگاهی)	۵
۵	حوزوی (فلسفه)	۳
	مجموع	۲۰

جدول ۲. پراکندگی سابقه خبرگان مورد مراجعه

ردیف	سابقه	تعداد
۱	۵ تا ۱۰ سال	۴
۲	۱۰ تا ۱۵ سال	۷
۳	۱۵ تا ۲۰ سال	۹
	مجموع	۲۰

همان گونه که اشاره شد، این پژوهش به ارائه الگوی مدیریت دانش اسلامی می پردازد شد و دامنه آن تمامی ذی نفعان و ذی ربطان حوزه مدیریت دانش هستند.

با توجه به اهمیت موضوع پژوهش در قسمت مصاحبه از نمونه گیری زنجیره ای برای انتخاب مصاحبه شوندهگان استفاده شده است. در روش نمونه گیری زنجیره ای، ابتدا چند نفر از افراد خبره نمونه را انتخاب می کنیم، سپس از هر کدام از آنها می خواهیم خود، تعدادی از افراد را

به ما معرفی (جندقی و فلاح، ۱۳۸۹: ۸۵). منطق این نوع نمونه‌گیری به این شکل است که در طول مصاحبه از مشارکت‌کنندگان تقاضا می‌شود تا سایر افراد یا گروه‌هایی را معرفی کنند که فعالانه در مبحث مورد نظر ما درگیر هستند؛ در نتیجه نمونه افراد گسترش می‌یابد. هدف اصلی ما دستیابی به افراد صاحب‌نظر در زمینه مدیریت دانش و مدیریت دانش اسلامی است این نوع انتخاب فهرست جامعی از افراد مؤثر در این زمینه را فراهم می‌سازد و این امکان را برای پژوهش فراهم می‌آورد تا پوشش منطقی و مستدلی از قلمرو مدیریت دانش فراهم آورد. بعد از تدوین کامل مراحل سه‌گانه یعنی شناسه گذاری باز، شناسه گذاری محوری و شناسه گذاری انتخابی، الگوی نهایی طراحی و ارائه شده و در پایان از طریق پرسشنامه آزمون خبرگان، الگوی طراحی شده مورد اعتباربخشی قرار گرفته است. (پرویزی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۷).

یافته‌های پژوهش:

موضوع مدیریت دانش یکی از موضوعاتی است که در کتاب‌ها و مقالات مدیریت دانش، توسط بسیاری از دانشمندان مطرح دنیا به آن پرداخته شده اما با توجه به اینکه موضوع این پژوهش ارائه الگوی مدیریت دانش اسلامی است بدیهی است که مقولات و عوامل اصلی الگو، باید با مبانی اسلامی مرتبط باشد.

فراگرد اجرای تئوری داده بنیاد

پس از شناسایی ۲۰ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان موضوعی در هر مرحله با ارائه توضیحی مختصر از پژوهش، سؤالات و هدف تحقیق برای هر یک از خبرگان، مدیریت دانش اسلامی را از دیدگاه خود تبیین کردند و نظر خود را در این زمینه متذکر شدند.

مرحله شناسه گذاری باز

پس از مصاحبه‌ها، مفاهیم اصلی عیناً استخراج شد؛ سپس تم‌های مربوط به گزاره‌های هر مصاحبه استخراج و در جدول‌ها درج شد، این مرحله در دیگر مصاحبه‌ها نیز تکرار و گاه دو یا چند عنوان مشابه با تم بهتر جایگزین گردید. در کدگذاری باز ۱۹۵ گزاره استخراج گردید.

مرحله شناسه گذاری محوری

در شناسه گذاری محوری، هدف، ایجاد مجموعه سازمان یافته‌ای از شناسه‌ها و مفاهیم اولیه است که نتیجه بررسی دقیق و تفصیلی گزاره‌های هر مصاحبه در مرحله شناسه گذاری باز است. تمرکز این مرحله بیشتر بر شناسه‌ها و مفاهیم است نه داده‌ها. البته ممکن است شناسه‌ها و مفاهیم جدیدی نیز در این مرحله ظهور یابد لیکن وظیفه اصلی، مرور و بررسی شناسه‌های اولیه است و به‌سوی سازمان‌دهی موضوعات، مفاهیم، دسته‌بندی‌ها و تعریف محور مفاهیم اصلی در تحلیل حرکت می‌کنیم.

از این‌رو، پرسش‌هایی که در مرحله شناسه گذاری محوری این پژوهش مطرح خواهد شد، است عبارت از:

- آیا می‌توان چندین مفهوم مرتبط با یکدیگر را برای ایجاد دسته‌بندی کلی‌تر با هم ترکیب کرد؟

- آیا می‌توان دسته‌بندی‌ها را درون توالی یا تسلسل، سازمان‌دهی کرد؟

در این مرحله به‌منظور پاسخگویی به نخستین پرسش (دسته‌بندی مفاهیم)، پس از دسته‌بندی مکرر مفاهیم و فراگردهای مقایسه‌ای مستمر در نهایت ۳۹ مقوله اصلی تدوین شد.

جدول ۳. مقوله‌های اصلی الگوی مدیریت دانش اسلامی

ردیف	مقوله‌ها	تعداد تکرار مقوله‌ها
۱	ارزشمندی به‌کارگیری دانش	۵
۲	به‌کارگیری بر اساس تکلیف	۳
۳	ضرورت به‌کارگیری با عمل جهادی	۸
۴	و‌جوب به‌کارگیری دانش	۵
۵	ضرورت نشر دانش	۷
۶	و‌جوب نشر دانش	۴
۷	راه‌های نشر دانش	۴
۸	زکات علم	۵
۹	نشر عامل ماندگاری دانش	۳
۱۰	نشر بدون توقع مادی	۵
۱۱	دانش نافع	۴

ردیف	مقوله‌ها	تعداد تکرار مقوله‌ها
۱۲	ضرورت توسعه دانش	۶
۱۳	نامحدود بودن قلمرد دانش در اسلام	۳
۱۴	کلان نگری	۶
۱۵	انواع دانش	۲
۱۶	روش‌های کشف دانش	۷
۱۷	مجرای الهی دانش	۳
۱۸	عناصر دانش	۶
۱۹	کشفی بودن دانش	۳
۲۰	ماهیت دانش	۷
۲۱	منشأ الهی دانش	۵
۲۲	عوالم دانش	۴
۲۳	ویژگی‌های دانش	۲
۲۴	اجتهاد، کسب دانش خبرگان	۳
۲۵	کسب دانش از تجربه نگاری	۴
۲۶	لزوم دانش قبل از عمل	۲
۲۷	وجوب کسب دانش	۵
۲۸	ضرورت ثبت دانش	۴
۲۹	دانش مکتوب، میراث ماندگار	۵
۳۰	ضرورت نگهداری دانش	۶
۳۱	قرب الهی هدف غایی	۲
۳۲	هدف نهایی کمال انسان	۴
۳۳	تعالی عقل بشر	۴
۳۴	کشف حقیقت	۷
۳۵	رسیدن به یقین	۵
۳۶	دانش ابزار قدرت	۵
۳۷	محوریت ایمان	۵
۳۸	محوریت عقل	۳
۳۹	توجه به انسانیت	۵

مرحله شناسه گذاری انتخابی

سومین مرحله شناسه گذاری در روش تئوری داده بنیاد، شناسه گذاری انتخابی است. این روش فراگرد انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن سامانمند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط و تکمیل دسته‌بندی است که به اصلاح و توسعه بیشتری نیاز دارد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰: ۹۷).

استراوس و کوربین، شناسه گذاری انتخابی را به همراه شناسه گذاری باز و محوری این‌گونه تشریح می‌کنند: در شناسه گذاری باز، تحلیلگر به پدید آوردن مقوله‌ها و ویژگی‌های آنها می‌پردازد و سپس می‌کوشد تا مشخص کند که چگونه مقوله‌ها در طول بدهای تعیین شده تغییر می‌کند. در شناسه گذاری محوری، مقوله‌ها به‌طور نظام‌مند بهبود می‌یابد و با زیرمقوله‌ها پیوند داده می‌شود با این حال، این‌ها هنوز مقوله‌های اصلی نیست که در نهایت برای تشکیل آرایش نظری بزرگ‌تر یکپارچه شود به‌طوری‌که نتایج پژوهش، شکل نظریه پیدا کند. فرایند شناسه گذاری انتخابی، یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست (استراوس و کوربین، ۲۰۰۱: ۵۰).

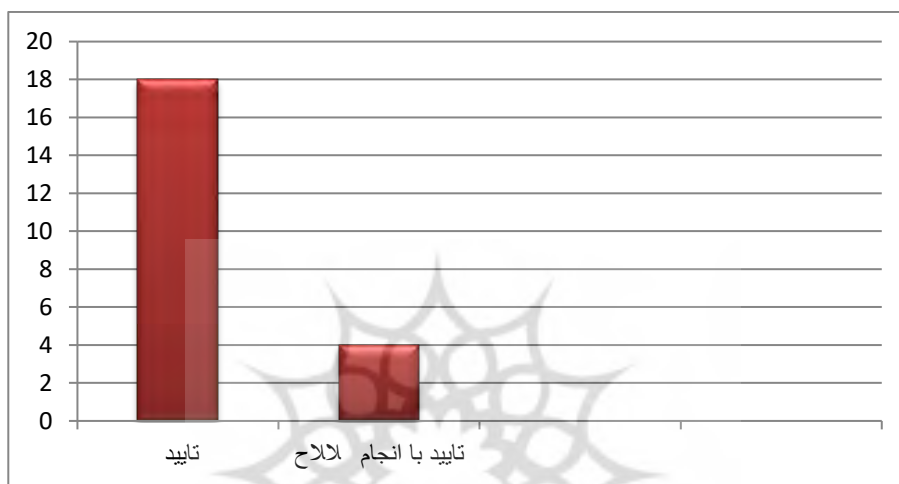
اعتباربخشی الگو از طریق نظر خبرگان

در مرحله اعتباربخشی الگو از آزمون خبرگان استفاده شده است در این مرحله مبتنی بر ابعاد و عوامل مرحله قبل (روش تئوری داده بنیاد) گویه‌های مربوط به هر عامل، تدوین و مبتنی بر آن، سؤالات پرسشنامه، نهایی شد. وضعیت توزیع پرسشنامه‌ها و تعداد خبرگان نیز در جدول (۴) آمده است:

جدول ۴. جدول توزیع پرسشنامه و تعداد خبرگان پژوهش

تعداد خبرگان مرحله اول	تعداد خبرگان جدید	تعداد پرسشنامه‌های عودت شده	تایید کنندگان الگو	تأیید کنندگان با انجام اصلاحات
۲۰	۷	۲۲	۱۸	۴

با توجه به جدول فوق از مجموع تعداد ۲۷ نفر نهایتاً پرسشنامه‌های ۲۲ نفر از خبرگان مورد تحلیل قرار گرفت از این تعداد ۱۸ نفر الگو را تأیید نموده و ۴ نفر هم با انجام برخی اصلاحات جزئی در شکل الگو، آن را تبیین‌گر الگوی مدیریت دانش در اسلام دانسته‌اند. اصلاحات مدنظر آن ۴ نفر نیز در الگو لحاظ گردید و سپس الگوی نهایی مورد تأیید همه خبرگان قرار گرفت که در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱. نتیجه نهایی آزمون خبرگان و تأیید الگو

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

با توجه به سیر تکاملی جمهوری اسلامی ایران در جهت ساخت تمدن اسلامی در جهان، این مهم بر پایه علم و دانش میسر است لذا این دانش باید از نگاه اسلامی استخراج و اکتساب گردیده و اعتبارسنجی شود چرا که مدیریت دانش بر اساس دیدگاه غربی نمی‌تواند پاسخگو اهداف عالی نظام مبتنی بر اسلام که ریشه‌ای الهی دارد باشد. این پژوهش به دنبال ارائه الگوی مدیریت دانش در نظام ارزشی اسلام است و با تحقیق دقیق پیرامون مدیریت دانش در اسلام به شناسایی موضوع پرداخته، در این پژوهش مشخص گردید که مدیریت دانش در اسلام دارای مبانی مشخصی بوده و از اصول منحصر به فردی پیروی می‌کند. مدیریت دانش در اسلام دارای

فرایند دقیقی بوده بطوریکه بارها در کلام معصومین فرایند مدیریت دانش به تفصیل برای پیروانشان تشریح گردیده است. اسلام تک تک مراحل فرایند مدیریت دانش را تبیین نموده و بر رعایت این فرایندها تأکید نموده است.

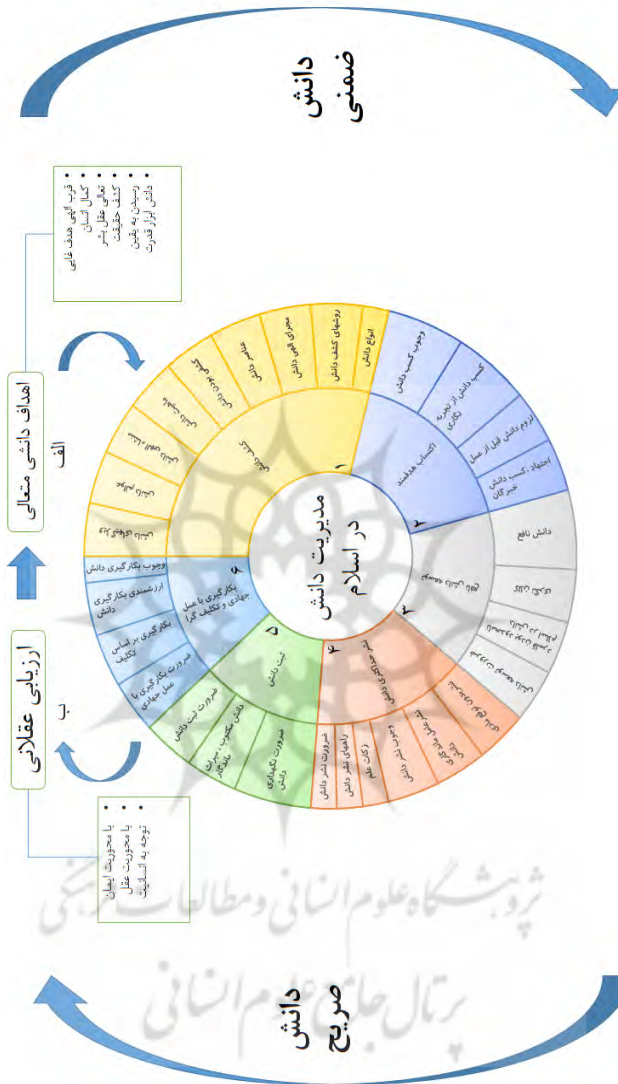
مسئله اصلی در مدیریت دانش اسلامی رسیدن به یقین است و نمی‌توان به آگاهی‌های عرفی اکتفا کرد. رسیدن به یقین یکی از مشخصه‌های اساسی معرفت‌شناسی برگرفته از قرآن حکیم و مکتب اهل بیت (ع) است. هدف غایی مدیریت دانش اسلامی، تعالی عقل بشر و رسیدن به درجات بالای تعقل و عقل ورزی است.

دانش در اسلام ارتباط نزدیکی با باور (اعتقاد) دارد، بنابراین، دانش بخشی از ایمان است. بر اساس تأکیدات دینی بر مسلمانان فرض است که دانش را دنبال کنند، شاخه‌های مختلف دانش را ترویج کنند و الگوی مناسبی از مدیریت دانش را برای کمک به نوع انسان ایجاد کنند تا اینکه کاربران اثربخشی برای دانش باشند. اسلام از این نظر، به ساخت و کاربرد مدیریت دانش اسلامی به‌عنوان چشم‌انداز و مأموریت مهم برای توسعه و بقاء انسان به‌عنوان جانشین خداوند نگاه می‌کند؛ و در نهایت سیر تعالی بشر، بهره‌مندی از دانش، باید منتج به قرب الی الله گردد. از نظر اسلام هر دانشی ارزش کسب و یادگیری و نشر ندارد و این دانش نافع است که بر کسب آن تأکید شده است.

در اسلام با نگاه ارزشی به فرایند مدیریت دانش نگرینسته شده و بار معنوی بر این فرایند حاکم است. اسلام از مزایای مادی دانش غافل نبوده و دانش را سبب کسب قدرت می‌داند.

در این پژوهش، محقق به‌صورت دقیق و کامل به بحث مدیریت دانش در اسلام پرداخته و آن را موردبررسی و شناخت قرار داده است. بدیهی است برخی از ابعاد چرخه مدیریت دانش در مبانی فکری مختلف، مشابه‌اند ولی از نظر ماهیت تفاوت اصلی با هم دارند چرا که مبانی فکری در اسلام بر اساس مفاهیم الهی استوار بوده ولی مبانی مدیریت دانش رایج بر اساس اصالت سود و نفع مادی شکل گرفته و توسعه یافته است.

شکل ذیل ارتباط مقوله‌ها را در الگوی مدیریت دانش اسلامی نمایش می‌دهد.



شکل ۶. الگوی مدیریت دانش در اسلام

بحث

در جدول (۵) به مقایسه الگوهای رایج مدیریت دانش با الگوی پیشنهادی خواهیم پرداخت.

جدول ۵. مقایسه الگوهای رایج با الگوی مدیریت دانش اسلامی (الگوهای غربی اقتباس از دالکر، ۱۳۹۲)

الگوی مدیریت دانش در نظام ارزشی اسلام							شرح	سال	مدل	نویسنده
ابعاد										
ارزیابی عقلانی	به کارگیری باعمل جهادی	ثبت دانش	نشر حداکثری	توسعه دانش نافع	اکتساب هدفمند	کشف دانش	اهداف دانشی معنایی			
		*	*		*		فرایندهای ایجاد و انتقال دانش	۱۹۹۵	نوناکا	۱
					*		ابعاد اجتماعی و فنی دانش، کارکنان و مدیران دانش	۱۹۹۸	دانپورت و پرو ساک	۲
		*	*		*		ایجاد دانش، نگهداری، انتقال و به کارگیری	۱۹۹۹	مدل عمومی مدیریت دانش	۳
		*	*		*		شناسایی، تسخیر، انتخاب، ذخیره و تجارت دانش	۱۹۹۹	بک من	۴
					*		به کارگیری مدیریت دانش	۲۰۰۰	رن جانسون	۵
				*	*	*	جستجوی دانش جدید، یادگیری، حذف دانش زائد	۲۰۰۱	استیو هالس	۶

							مدیریت دانش، عملکرد مالی و سازمان	۲۰۰۱	مک کین و زک	۷
		*	*		*		عوامل بازار، فراساختارها، پردازش دانش	۲۰۰۱	گلد	۸
		*	*		*	*	خلق، ذخیره، نشر و به‌کارگیری	۲۰۰۱	هیسیک	۹
		*	*		*		تولید و پیوسته کردن دانش	۲۰۰۲	مارک م	۱۰
		*	*		*		خلق، در دام انداختن، همکاری، مبادله و فرهنگ	۲۰۰۲	هفت سی	۱۱
		*		*	*		زمینه‌های کسب و کار، حوزه‌های دانش و برنامه اقدام	۲۰۰۲	سیت/زیم نس	۱۲
		*	*		*		جستجوی دانش، ارزش‌گذاری دانش و کنترل	۲۰۰۲	ستون‌های مدیریت دانش	۱۳
		*	*	*	*		فناوری، رهبری، سنجش و فرایند	۲۰۰۵	اینوکشوک	۱۴

شرح ابعاد الگو:

۱. اهداف دانشی متعالی

از مقایسه الگوی مدیریت دانش در نظام ارزشی اسلام با الگوهای دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که اهداف دانشی متعالی در هیچ یک از الگوهای دیگر دیده نشده است و اصولاً مدیریت دانش رایج به دنبال تعالی بشر و رسیدن او به قرب الهی نبوده و به این منظور تعریف نشده است. در اسلام ضمن نگاه عمیق به مبحث مدیریت دانش با توجه به تأثیر مدیریت دانش در سرنوشت

بشر و هدایت انسان به سوی کمال و سعادت برای نیل به این مقصود دارای برنامه و روش بوده و چهارچوب مشخصی را تدوین نموده است. در مدیریت دانش اسلامی هدف غائی کمال عقل و انسان جهت رسیدن به قرب الهی و سعادت همیشگی می‌باشد. در اسلام به مدیریت دانش در سطح یک ابزار مانند سایر فناوری‌های دنیای مادی نگاه سطحی نشده که صرفاً در فکر تسخیر ماده جهت سود و منفعت مادی باشد. لذا در مدیریت دانش اسلامی هدف غایی رسیدن به قرب الهی می‌باشد. انسان ضمن رسیدن به یقین و کشف حقیقت به کمال خود می‌رسد.

مسئله بنیادی تمدن اسلامی کشف حقیقت و پیروی از آن است، در این تمدن دانش از این‌رو ارزشمند است که کاشف از حقیقت است. دانش عامل روشنایی است و نوری است که در تاریکی‌ها راه راست را نشان می‌دهد و می‌تواند بر انگیزه‌ها اثر گذاشته و اراده‌ها را به سوی حق حرکت دهد. در اینجا ملاک، حق است و نفع شخصی به معنای سود بیشتر برای خود جایگاهی ندارد. نتیجه این که دانش یک عنصر کلیدی در حیات فردی و اجتماعی بشر است و مدیریت آن در تمدن اسلامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

۲. ارزیابی عقلانی

در اسلام بین انسانیت و معیارهای عقلی و خداوند به‌عنوان خالق هستی رابطه عمیقی موجود است. در نظام تمدنی دینی دانش با معیارهای ایمان، عقل و انسانیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بدیهی است در نظام فکری دینی همه چیز حول ایمان به خالق هستی معنی پیدا می‌کند. در دین مبین اسلام ضرورت سنجش کلیه امور با عقل تأکید شده تا آنجا که از عقل به‌عنوان رسول باطنی یاد شده است.

۳. کشف دانش

بر اساس یافته‌های تحقیق دانش به معنای مطلق فهم و ادراک، با ارزش‌ترین نعمت الهی به انسان است که به‌صورت تدریجی در جان آدمی می‌نشیند. دانش دارای ویژگی‌های مهمی است از جمله اینکه مجرد است و به زمان و مکان وابسته نیست. در اسلام، همچنان‌که در قرآن (سوره ۲، آیه ۲۳۹) بیان شده، تعریف دانش تنها به مسائل معرفت‌شناسانه محدود نشده بلکه صداقت اخلاقی و دیگر ابعاد واقعیت‌ها را در بر می‌گیرد. اسلام دین دانش است. دانش از خداوند

سرچشمه می‌گیرد و سپس از طریق کانال‌های متعددی مانند وحی، ادراک حسی، عقل، منطق و شهود (درک مستقیم) به نوع انسان منتقل می‌شود. مفهوم دانش، بدیهی و تعریف ناپذیر است اما حقیقت یا کنه آن، انکشافی و در نهایت خفا است.

بر اساس نگاه اسلام، علم از ارزاق انسان است آنچه از طرف خدا به انسان می‌رسد و هر فیضی از طرف مبدء جهان نصیب انسان می‌شود تنها از طرف خداست و مبدء همه دانش‌ها از خداست. دانش از طرف خدا گاهی با واسطه و گاهی بی‌واسطه است و اصل علم و دانش نزد ائمه اطهار (ع) است که واسطه فیض الهی هستند و مجرای کسب دانش الهی.

دانش بهترین فضیلت و کمال است و علت آفرینش هستی می‌باشد. دانش ریشه همه خوبی‌هاست. در این دیدگاه دانش مایه روشنایی است و از بین برنده جهل بوده و نور الهی است که آدمی با آن هدایت می‌یابد.

۴. اکتساب هدفمند

به نظر می‌رسد آنچه در اسلام (از باب علم و دانش) قابلیت انتقال را دارد، صرفاً خود علم و دانش نبوده، بلکه فرایند و نحوه تفکر و تدبیر و تأمل در موضوعات بر اساس ظرفیت‌های درونی حاصل از محسوسات انسانی و معلومات تجربی در تعامل با استعدادهای ذاتی فطری الهی از مبادی، اکتشافات فردی، الهامات و اشراقات درونی نیز مؤثر در ارتقای سطوح علم و دانش و به عبارتی مرز شکنی دانش می‌تواند باشد. پیامبر خدا محمد (ص) با این فرموده «براستی، مردان دانش (علماء) وارثان پیامبرانند» اکتساب دانش را تشویق کرده است. هم استقراء از مشاهده و هم استدلال قیاسی روش‌های معتبری برای اکتساب دانش می‌باشند. به عبارتی دیگر، دانش یک پدیده موجود (حاضر) است که انسان بایستی آن را کشف کرده و استفسار نماید (به‌دست آورد).

وقتی که یک‌بار دانش برای شخصی شناخته شد، آن به اطلاعاتی نزد او تبدیل می‌شود، بعد از اینکه توسط او به‌کار گرفته شد به یک علم تبدیل می‌گردد و به دیگران آموخته می‌شود. طبق قرآن (سوره ۲، آیات ۲۹ الی ۳۳)، انسان در جایگاهش به‌عنوان جانشین خدا، باید وظیفه‌اش را در قبال جستجوی و استفسار دانش و انجام داده و کاربردهای آن را بسط دهد چون که خداوند همه این دانش‌ها را برای او خلق کرده تا اینکه از آن استفاده نموده و به‌کار گیرد.

اگر چه برخی از آیه‌های قرآنی به دانش اسلامی اشاره می‌کند، اما این آیات در معانی‌شان عام و کلی هستند و بنابراین می‌توانند به یادگیری به صورت کلی و عمومی ارجاع داده شوند.

خروجی یک فرآیند آموزشی اسلامی یک یادگیرنده را هدایت می‌کند تا شخص با اطلاع و بصیری باشد که مطابق با اصولی که در دست دارد عمل کند. این مفهوم دانش نه فقط آموزش را اکتساب اطلاعات با ظرفیتی برای تبیین و تحلیل می‌داند بلکه این فرآیند را به فرمان الهی وصل می‌کند تا اینکه یک موجود اخلاقی باشد که وظیفه جانشینی بر روی زمین را بر دوش خود حمل می‌کند.

۵. توسعه دانش نافع

در اسلام، دانش اولین نعمت در هدایت انسان است دانش بی نهایت است و نمی‌توان به همه آن احاطه کرد. در اسلام قلمرو دانش نامحدود است و به جهان مادی منحصر نمی‌شود و از ملک تا ملکوت را در بر می‌گیرد. فلذا با این دیدگاه کلان نگر برای یادگیرنده دانش، حد یقینی تصور نشده است؛ و انواع دانش را در بر می‌گیرد.

۶. نشر حداکثری دانش

این بعد شامل مؤلفه‌های ضرورت نشر دانش، وجوب نشر دانش، راه‌های نشر دانش، زکات علم، نشر عامل ماندگاری دانش، نشر بدون توقع مادی است. در اسلام نشر دانش امری ضروری و واجب است و تا حدی ارزشمند است که زکات علم را نشر آن بر شمارده‌اند؛ و نشر دانش را عامل ماندگاری آن دانسته‌اند. در اسلام هدف از نشر دانش طمطمع مالی نشر دهنده نیست و صرفاً اهداف دنیوی در راستای نشر دانش دنبال نمی‌شود و نشر دانش بدون چشم‌داشت مادی از ارزش‌های دینی بشمار می‌رود.

۷. ثبت دانش

این بعد شامل مؤلفه‌های ضرورت ثبت دانش، دانش مکتوب، میراث ماندگار و ضرورت نگهداری دانش است. در اسلام ثبت دانش به‌عنوان بهترین راه نگهداری دانش یاد شده است؛ و به حدی بر آن تأکید شده که دانش مکتوب را میراثی ماندگار دانسته‌اند.

۸. به کارگیری با عمل جهادی و تکلیف گرا

بعد به کارگیری دانش در الگوهای غربی بر اساس تخصیص منابع و امکانات قابل تعریف است در حالیکه در اسلام به کارگیری دانش بر اساس تکلیف دینی در راستای تعالی انسان و جامعه اسلامی با عمل جهادی و بدون چشم‌داشت مادی و فراتر از امکانات مادی و منابع موجود تأکید دارد.

مسئله مدیریت دانش که هم اکنون در علم مدرن و تمدن غرب مطرح شده، تلاشی است در جهت حل مسئله اصلی این تمدن یعنی تسخیر عالم و آدم در جهت سود و نفع خویش. دانش در این تمدن هم‌ارز با فناوری در نظر گرفته می‌شود و ابزار قدرت و تسخیر و تصرف است. گویا در این تفکر اراده بر آگاهی مقدم است. ولی از آنجا که مسئله بنیادی تمدن اسلامی کشف حقیقت و پیروی از آن است، نگاه به دانش و مدیریت آن در این تمدن با تمدن غرب متفاوت است. در این تمدن دانش از این‌رو ارزشمند است که کاشف از حقیقت است. دانش عامل روشنایی است و نوری است که در تاریکی‌ها راه راست را نشان می‌دهد و می‌تواند بر انگیزه‌ها اثر گذاشته و اراده‌ها را به سوی حق حرکت دهد. در اینجا ملاک، حق است و نفع شخصی به معنای سود بیشتر برای خود جایگاهی ندارد. نتیجه این که دانش یک عنصر کلیدی در حیات فردی و اجتماعی بشر است و مدیریت آن در تمدن دینی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

از مقایسه الگوی مدیریت دانش در نظام ارزشی اسلام با الگوهای رایج که اکثراً غربی می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که اهداف دانشی متعالی در هیچ یک از الگوهای غربی دیده نشده است و اصولاً مدیریت دانش غربی به دنبال تعالی بشر و رسیدن او به قرب الهی نبوده و به این منظور تعریف نشده است. دیدگاه غربی بسیار محدود و ناقص بوده و بسیار سطحی با این مقوله برخورد کرده است در صورتیکه اسلام ضمن نگاه عمیق به مبحث مدیریت دانش با توجه به تأثیر مدیریت دانش در سرنوشت بشر و هدایت انسان به سوی کمال و سعادت برای نیل به این مقصود دارای برنامه و روش بوده و چهارچوب مشخصی را تدوین نموده است. در مدیریت دانش اسلامی هدف غائی کمال عقل و انسان جهت رسیدن به قرب الهی و سعادت همیشگی می‌باشد. در صورتیکه در غرب مدیریت دانش در سطح یک ابزار مانند سایر فناوری‌های دنیای مادی نزول کرده و صرفاً در فکر تسخیر ماده جهت سود و منفعت مادی است.

بعد به‌کارگیری دانش در الگوهای غربی بر اساس تخصیص منابع و امکانات قابل تعریف است در حالیکه در اسلام به‌کارگیری دانش بر اساس تکلیف دینی در راستای تعالی انسان و جامعه اسلامی با عمل جهادی و بدون چشم‌داشت مادی و فراتر از امکانات مادی و منابع موجود تأکید دارد.

بعد ارزیابی عقلانی در هیچ یک از الگوهای غربی موجود نبوده چرا که در تمدن غربی اصالت با عقل نبوده و تشکیک در یقینیات همواره حاکم است؛ و در این بین انسانیت و معیارهای عقلی و خداوند به‌عنوان خالق هستی به کلی نادیده انگاشته شده است. حذف ملاک عقل در اعتبارسنجی دانش باعث شده غرب در باتلاق تشکیک فرو رود؛ و با بی‌توجهی به رابطه دانش با حقیقت، در دام عمل‌گرایی سقوط کند. در معرفت‌شناسی اسلامی، بین دانش و ایمان پیوندی عمیق وجود دارد اما در معرفت‌شناسی غرب بین دانش و ایمان رابطه‌ای وجود ندارد و این موضوع بر مدیریت دانش غربی اثر گذاشته است.

مسئله مدیریت دانش که هم اکنون در علم مدرن و تمدن غرب مطرح شده، تلاشی است در جهت حل مسئله اصلی این تمدن یعنی تسخیر عالم و آدم در جهت سود و نفع خویش. دانش در این تمدن هم‌ارز با فناوری در نظر گرفته می‌شود و ابزار قدرت و تسخیر و تصرف است. گویا در این تفکر اراده بر آگاهی مقدم است. ولی از آنجا که مسئله بنیادی تمدن اسلامی کشف حقیقت و پیروی از آن است، نگاه به دانش و مدیریت آن در این تمدن با تمدن غرب متفاوت است. در این تمدن دانش از این‌رو ارزشمند است که کاشف از حقیقت است. دانش عامل روشنائی است و نوری است که در تاریکی‌ها راه راست را نشان می‌دهد و می‌تواند بر انگیزه‌ها اثر گذاشته و اراده‌ها را به‌سوی حق حرکت دهد. در اینجا ملاک، حق است و نفع شخصی به معنای سود بیشتر برای خود جایگاهی ندارد. نتیجه این که دانش یک عنصر کلیدی در حیات فردی و اجتماعی بشر است و مدیریت آن در تمدن دینی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

شاید برخی از کلیدواژه‌ها در الگوهای غربی و اسلامی شباهت داشته باشند ولی ماهیتاً دارای تفاوت بوده و در مبانی با هم اختلاف دارند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی
- نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ۱۳۷۳. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- باطحی، سیدحسین؛ صلواتی عادل (۱۳۸۵). **مدیریت دانش در سازمان**، انتشارات پیوند نو، تهران.
- اخوان، پیمان؛ خادم الحسینی، سید پیمان (۱۳۹۲). تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام دوفصلنامه **مدیریت اسلامی**. سال ۲، شماره ۲، صص ۹۹-۱۲۶.
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵) **اصول روش تحقیق کیفی**، بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۷.
- الوانی، سیدمهدی؛ ناطق، تهمینه؛ فراحی، محمدمهدی (۱۳۸۶). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه مدیریت دانش سازمانی، فصلنامه علمی پژوهشی **علوم مدیریت ایران**، سال دوم، شماره پنجم، بهار، ۳۵-۷.
- انوارپرستی، علی اصغر؛ شهائی، بهنام (۱۳۸۸). **مدیریت دانش و سازمان یادگیرنده**: تحلیلی بر نقش مستندسازی دانش و تجربه، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره اول، شماره دوم، بهار و تابستان، ۳-۱۸.
- ایدلخانی، یاسمن، اخوان، پیمان (۱۳۹۸). مدل ترکیبی مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی، فصلنامه **مدیریت بحران**، دوره ۵ شماره ۲
- باقرزاده، اصغر، احمدوند، علی محمد (۱۳۹۸). نظریه مدیریت دانش اسلامی، فصلنامه **تحقیقات بنیادین علوم انسانی**، شماره ۱۵.
- پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش و ادیب حاج باقری، محسن (۱۳۸۹). **روش‌های تحقیق کیفی**، تهران: مرکز نشر علوم پزشکی، انتشارات بشری، چاپ دوم.
- تامس دانپورت ولارنس پرو ساک. (۱۳۷۹). **مدیریت دانش**. ترجمه حسین رحمان سرشت، تهران: نشر ساپکو.
- حمزه پور، مهدی، مجتبی، جوادی (۱۳۹۴). تبیین و مقایسه مبنای نظری مدیریت دانش از دیدگاه اسلام و غرب، فصلنامه **تحقیقات علوم بنیادین علوم انسانی**، شماره ۴.
- جندقی، غلامرضا، فلاح، محمد رضا (۱۳۸۹). **کاربرد آمار در پژوهش**. قم: نشر رنگ آسمان
- رضاییان، علی، (۱۳۸۱). **نقش مدیر عالی دانش در مدیریت دانش**، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت شماره ۴ صص ۵۷-۷۸.
- زارع، فضل الله، (۱۳۸۷). **معرفی سیستم مدیریت دانش**، تهران: نشر علوم.
- قادرزاده، داود (۱۳۹۸). تبیین فرایند مدیریت دانش در آموزه‌های اسلامی، فصلنامه **مدیریت فراگیر**، دوره ۵، شماره ۱.
- قلیجلی، بهروز. (۱۳۸۸). **مدیریت دانش**. تهران. سمت.

- دالکر، کیمیز، (۱۳۹۲). **مدیریت دانش در تئوری و عمل**، ترجمه زرگرپور، تهران، نشر مینا.
- منطقی، محسن؛ اکبری، ظاهر (۱۳۹۲). مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی. **اسلام و پژوهش های مدیریتی** سال ۳. شماره اول. پیاپی ۷. صص ۷۶-۵۹
- موسی خانی، م. مانیان، ا.، اخگر، ب.، جوادی آملی، م.، و نعمتی شمس آباد، ح. (۱۳۹۳). مدیریت دانش دین بینان: طرح مسئله مدیریت دانش در تمدن دینی **اسلام و مدیریت**. سال ۲. شماره ۴
- موفق، حسن، هاشم‌زاده، غلامرضا، دشمن‌زیاری، اسفندیار. (۱۳۹۸). مدیریت دانش ایرانی اسلامی بر اساس آموزه‌های دین اسلام و فرهنگ ایران، **مدیریت فرهنگی** شماره ۱۳ صص ۳۹-۵۸
- نعمتی شمس آباد، حسنعلی. (۱۳۹۳). از مبانی نظری تا نظریه های مدیریت دانش: بسط مدل مفهومی تأثیرپذیری مدیریت دانش از تئوری دانش. **اسلام و مدیریت**. سال ۲. شماره ۵. صص ۷-۳۳

References

- Baskerville, R. & A. Dulipovici (2006), "The Theoretical Foundations of Knowledge Management", *Knowledge Management Research & Practice* 4, pp.83-105.
- Burn, & Grove. (1999), "Understanding nursing research", 2ed, Philadelphia W.B Saunders.
- Deetz, S. (1996, March-April), "Describing Differences in Approaches to Organization Science: Rethinking Burrell and Morgan and Their Legacy", *Organization Science*, 7(2), pp.191-207.
- Rofiaty, (2020), *Journal of modelling in Management*, 14(3).
- Hislop, D. (2009), *Knowledge Management in Organization: A critical Introduction*, New York: Oxford University Press.
- Muhamadul Bakir, H. Y. (2011), "Islamic Conceptualisation of Knowledge Management", *American Journal of Economics and Business Administration*, 3(2), pp.363-369.
- Nurdin Yusuf, (2020), *International Journal of Knowledge Management Studies* 11 (1), 59-80.
- Nonaka & Takeuchi (1995), *The Knowledge Creating Company: how Japanese Gmpanies Create the dynamics of innovcction*, New York: Oxford University Press, p.284.
- Strauss, Anselm L., & Corbin, Juliet (1990), *Basics of Qualitative Reasearch Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.
- Wiig, K. (2004), *People-Focused Knowledge Management: How Effective Decision Making Leade to Corporate Success*, MA: Elsevier Butterworth-Heinemann.